



محمد رضا میرشاه‌ولد  
hotpen77@yahoo.com  
کار نویس

## تماشاخانه



شهرنگ

پیراگفتم؛ به‌ماشد عرصه تنگ | توی دنیای پراز اندوه و جنگ  
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟ | خنده کردوداد پاسخ؛ «شهرنگ»

صفحه روزانه طنز و کارتون  
شماره هزار و صد و پنجاه و سوم

شهرنگ

صفحه آخر

دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۹  
سال هشتم شماره ۲۷۲

می‌توانید QRCode زیر را  
با گوشی اسکن کنید



اینستاگرام شهرنگ: Instagram.com/shahrvang1 | ایمیل شهرنگ: shahrvang1@gmail.com

آزادراه

مرد برای رفع گرسنگی  
تخم مرغ می خورد!



شهاب نبوی  
طنزنویس

# کمک راننده: برو بلا یه مسئول دیگه بیاد، حرکت!

رئیس اورژانس تهران:  
برخی از مسئولان با آمبولانس تردد می‌کنند

- ➔ بلندگوی آمبولانس:
- پراید دارم می‌رم مجلس، کجا انداختی پشت من داری میای؟!
- ➔ بیماران کرونایی:
- شما برید سر کار مایه موتور می‌گیریم می‌ریم بیمارستان!
- ➔ یک مسئول: ما مریض ملتیم!
- ➔ برخی مسئولین:
- می‌خوایم فرم و محتوای وضعیت همخوانی داشته باشند!
- ➔ صداوسیما: این از الزامات نگاه اورژانس به مشکلات مردم است!
- ➔ وزارت اقتصاد: آمبولانس خوب چی تو دست و بال تون دارید  
توی بورس عرضه کنیم؟!
- ➔ توثیق انگلیسی زبان یک مسئول:
- عجله برای خدمت به مردم جزئی از فرهنگ ملی ماست!
- #برید-کنار-دیرشون-شد #شهرنگ

در همین چند روز اخیر برخی از قیمت‌ها  
یکهویی خودشان را کشیدند بالا.  
در حالی که جیب ما به همان اندازه قبل و  
بلکه هم بیشتر داخلش شپش جاساز  
کرده است. گرچه بهتر از من با این اقلام  
آشنایی دارید، اما بگذارید محض آشنایی  
اون یکی، دو مرفه بی‌درد که بین مان  
هستند، به معرفی این کالاها بپردازیم.

یکی از چیزهایی که در این چند وقت  
خیلی گران شد، کره بود. احتمالا هنوز در  
ذهن‌تان باشد کره چیست و لازم نباشد  
توضیح دهم که یک محصول معمولا  
قالبی مستطیل شکل، لیز و گاهی لزوج  
بود که با آن یکی محصول سفید و نرم که  
اسمش پنیر بود، خورده می‌شد. کره چیز  
زیاد مهمی نیست، نخوریم اتفاقی برایمان  
نمی‌افتد و به جایش می‌توانیم پنیر که البته  
گفته می‌شود آن هم گران شده و نمی‌شود  
خورد... کلا حالا شما صبحانه نخوری به  
هیچ جای بشریت ضربه اساسی نمی‌خورد.  
منتها فقط این وسط گند می‌خورد به حال  
مبدع ضرب‌المثل چند روز بخور نون و تره  
یه عمر بخور نون و کره که حالا باید برود و  
تره‌اش را با یک چیز دیگر مقایسه کند.

جنس دیگری که در این مدت گران  
شد، تخم‌مرغ بود، یعنی الان کسانی که  
یک بار در عمرشان صبحانه تخم‌مرغ  
با کره خورده‌اند، سلطان شکم حساب  
می‌شوند و می‌توانند این خاطره را تا آخر  
عمر برای نوه و نتیجه‌هایشان تعریف کنند.  
تخم‌مرغ قوت غالب خیلی از ماها بود.  
معدن ما بیشتر از هر چیز دیگری این زرد و  
سفید را به خودش دیده بود. گاهی سرخ  
و گاهی آبی، کوفتش می‌کردیم، اما دیگر  
نمی‌توانیم. قبلا هر چیزی که گران می‌شد،  
می‌گفتم اشکالی ندارد به جایش تخم‌مرغ  
می‌خوریم. من خودم حتی وقتی پراید و  
سکه گران شدند، به جایشان تخم‌مرغ  
خوردم؛ شاید بگویند اینها چه ربطی به هم  
دارند که باید بگویم درسته ربطی ندارند، اما  
شکم من این چیزها را نمی‌فهمد.

چیز دیگری که گران شد، مادر همه  
قیمت‌ها یعنی دلار بود. دلار همان چیزی  
است که اگر غرض داشت و کمی دست از  
سست‌عصری برمی‌داشت و با ثبات قدم  
آشنا بود، الان وضع ما این نبود. یک ملت  
و کلی جنس هر روز منتظر پایین کشیدن  
او هستند، اما او هر چند ماه یک بار و بعد  
از اینکه نفس گرفت، یک عریده می‌کشد  
و با ذکر مردم ایران بیاید دنیا، می‌کشد  
بالا. دلار و قیمتش، پایه‌ترین دوستان  
مسئولین هستند. اصلا می‌توان گفت  
دلار رقیب جدی داعش در قبول کردن  
مسئولیت خرابکاری‌های مختلف است.  
مثلا دسته بیلی که با قطع درختان بلوط  
نواحی این‌ور و اون‌وری مملکت ساخته  
می‌شود و هیچ ربطی به قیمت دلار  
ندارد، گران می‌شود و مسئولین مربوطه  
می‌گویند تقصیر دلار بود و این بچه هم  
نجابت به خرج می‌دهد و هیچ چیزی  
نمی‌گوید.

خودرو: در مورد خودرو و پراید و اون  
مدل‌های شبیه دمپایی جلو بسته به اندازه  
کل تاریخی که بشیرت سوار چیزهای مختلف  
شده، طنز نوشته‌ایم و از خودروسازان داخلی  
و قیمت و کیفیت‌شان گفته‌ایم، اما آنها  
الگوی اعتماد به نفس هستند. عوض اینکه  
آب برونند از خجالت، هر روز بیشتر رشد  
می‌کنند. در نهایت اینکه مشکلات بسیار  
بیشتر از اینهاست، ولی ما هنوز هم دوست  
داریم امکان خوردن کره و تخم‌مرغ و دیدن  
قیمت دلار و خودروراد داشته باشیم. 📌

میترا بخشی‌زاده

هم نمی‌تواند ساختارمان را به هم بریزد و تحت تأثیر  
هیچ نیروی داخلی یا خارجی تغییر شکل نمی‌دهیم  
و قهرمانانه حالت‌مان را حفظ می‌کنیم و خم به  
ابرو نمی‌آوریم.  
حفظ حالت پنجم ماده افتخاری است که نصیب هر  
جماعتی نمی‌شود. گر چه این حالت ماده به دلیل  
پایین بودن دوز خوشمزه‌گی و طنز هرگز کاندیدای جایزه  
ایگ نوبل نبوده ولی ما باید شاد باشیم و با همین  
فرمان پیش برویم تا شاید در کتاب فیزیک و زیست و  
تاریخ، با نام و نشان امت پوست‌سوسماری جایی برای  
خودمان دست و پا کنیم. 📌

که این حیوان اغواگر ترکیبی از جامد و مایع با توجه به  
شرایط است. یک گربه در زمان استراحت می‌تواند توی  
پارچ آب هم جا شود یا مثل پادری پهن و سپس جمع  
شود. این خاصیت میان فازی گربه باعث شده که بین  
سایر پت‌ها پادشاهی کند و به آنها فخر فراوان بفروشد.  
پس تعجب نکنید اگر گربه‌تان از درز پنجره به راحتی  
تردد می‌کند.

آقای فردین بابت این کشف ارزنده در سال ۲۰۱۷  
جایزه ایگ نوبل را به خود اختصاص داد. حالت پنجم  
ماده هم ماملت شریف ایران هستیم. آن قدر مقاومیم  
که تحریم و تورم و کرونا و دلار سر به فلک کشیده

به تغییر فاز نمی‌دهند. اما مایعات سست‌عنصرانی  
هستند که بسته به شرایط تغییر شکل می‌دهند  
و شبیه ظرفی می‌شوند که در آن ریخته شوند و با  
توجه به موقعیت‌شان مثل آب خوردن هر حالتی را  
تجربه می‌کنند.

گاهی هم که سرگردان‌ترین حالت ماده هستند. در  
پوشش اکسیژن یا دی اکسید کربن می‌توانند بدون  
روادید مرزهای خوشبختی و رفاه را در نوردند و در هر  
فضا و شرایطی خودشان را بکنجاندند و حتی به گرات  
دیگر کوچ کنند. حالت چهارم ماده گربه‌ها هستند. آقای  
مارک آنتوان فردین توانست با دانش رئولوژی ثابت کند

## کلاس فیزیک

### حالت پنجم ماده پاپوست سوسماری‌ها

همان‌طور که نخستین بار در کتاب علوم راهنمایی  
خواندیم ماده از سه حالت جامد، مایع و گاز تشکیل  
شده است. جامدها شکل منظمی دارند و در  
موقعیت‌های مختلف شکل‌شان را حفظ می‌کنند.  
این مواد ثبات شخصیت دارند مگر آنکه تحت تأثیر  
نیرو و جبر بیرونی له شوند ولی با وجود خردشدگی، تن

خبرنگار لندن نشین

## گزارش به خاک ایران

### از غرب وحشی چه خبر؟

هیچ چیزی افزایش پیدا نمی‌کند. یعنی ما وقتی میریم تو فروشگاه،  
قیمت‌ها مثل دیروزه و این واقعا کسالت‌آور. زندگی چقدر میتونه  
بد باشه.  
بله عزیزان. همین‌طور که شنیدید، غرب همچنان در گرداب ثبات  
قیمت‌ها دست و پا می‌زنه. اجازه بدید برم سراغ خانم محترمی که کنار  
یک نوازنده خیابانی بدبخت، در فلاکت کامل مشغول حرکات موزونه.  
سلام خانم. شما چقدر بدبخت هستید؟  
+ خیلی. من واقعا خیلی بدبختم و امشب اومدم اینجا به افتخار  
بدبختی‌های خودم کمی ورزش کنم.  
نظر شما به عنوان یک زن در مورد مشکلاتی که زنان تو غرب دارن،  
چی؟  
+ وای بله. ما خیلی مشکلات داریم. ما متأسفانه اینجا سرکار میریم و  
خیلی هامون شغل‌های مهمی مثل وکالت و قضاوت یا وزارت داریم.  
در حالی که درستش اینه که زن بمونه تو خونه و به کارهای منزل برسه.  
یعنی شما از این قضیه ناراحتید؟  
بله بله. خیلی زیاد. من به عنوان یک زن مثل شکلات هستم. اگه کاغذ  
شکلات رو باز کنیم، کثیف میشه و دیگه نمیشه خوردش. شما  
خودتون پسته باز شده روی بیشتر دوست دارید یا پسته بسته‌رو؟  
بله معلومه. پسته در بسته. چون میشه با گوشت‌کوب زد تو سرش  
و شکوندش.

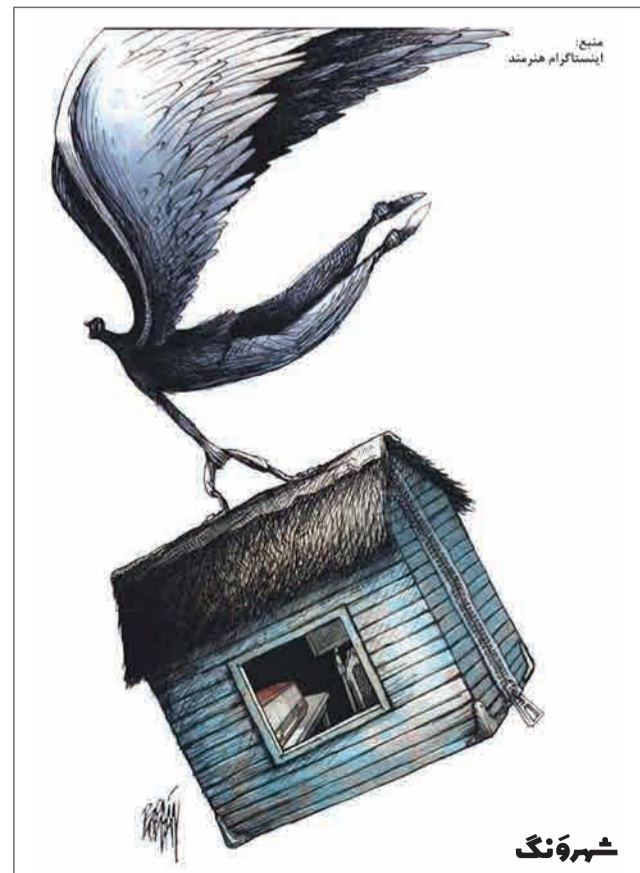
خیلی ممنونم از شما. خوانندگان عزیز همین‌طور که شنیدید،  
توصیف کثافت و نکستی که در غرب گریبان مردم رو گرفته، به همین  
سادگی مقدر نیست. اگه اجازه بدید من امشب این خانم محترم رو  
کمی دلداري بدم و به خونه‌شون برسونم. از هفته بعد با گزارش‌های  
بهتری در خدمتون خواهم بود. شبتون خوش و خدانگهدار. 📌

سلام عرض می‌کنم خدمت هموطنان عزیزم در جای‌جای کشور  
چهار فصلمون، ایران. به خاطر علاقه‌ای که به نظرات من در تیتراهای  
شهرنگ داشتید و به خاطر تقاضاهای زیاد مردمی، از این هفته با یک  
ستون خبری از غرب وحشی در خدمتون هستم و سعی می‌کنم شما  
رو بیش از پیش با روی کثیف و لجن‌آلود غرب آشنا کنم. در حالی که  
شما روزتون رو بعد از کلی سگ دوزدن زیبا و جذاب به دنبال یک لقمه  
نون به پایان برده و الان دارید در آرامش نون بربری خالی خوشمزه و  
دلچسپتون رو سق می‌زنید که برید بخوابید و برای فردایی گران‌تر و  
جذاب‌تر آماده بشید. در اینجا متأسفانه تازه آفتاب غروب کرده و ما  
غروب دلگیری رو شاهد هستیم که خودش نشانه‌ای از ضعف و  
انحطاط غرب داره. متأسفانه کار به جایی رسیده که حتی آب‌میوه‌هایی  
که هر روز تو محل اقامت من سرو میشه، مزه همیشه خودش رو  
نداره و بعضا خودم شاهد بودم که در موارد بسیاری به اندازه کافی هم  
خنک و خوشمزه نبوده. در اتفاق نادر و شوکه‌کننده دیگری که امروز  
رخ داد، حقوق من که همراه به یورو واریز می‌شد، این ماه به دلار واریز  
شد که این اتفاق برگ دیگری به دفتر دویست برگ زایل غرب افزود.  
اما امروز به میدان اصلی شهر اومدیم تا با چند نفر از مردم فقیر و  
بدبخت غربی که برای خوشگذرانی‌های مبتذل به خیابان اومدن،  
صحبت کنیم. فقط چون اینا مثل آدم حرف نمیزنن، من خودم  
حرفاشون رو براتون ترجمه می‌کنم.

- سلام قربان، حالتون چطوره؟  
+ خیلی بدم. واقعا ما حال خیلی بدی داریم. اینجا در غرب و همه‌مون  
داریم می‌میریم.  
میشه بیشتر از کثافتی که توش گیر کردید، برامون بگید؟  
+ بله اینا واقعا گندش در اومده. متأسفانه قیمت‌ها همش ثابت و

آنجل بولیگان ... کار نویس

## شهر فرنگ



شهرنگ